

پرسش ۳۱۵: می‌خواهم وضعیتم را بدانم!

السؤال / ۳۱۵: بسم الله الرحمن بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

کم یحزنی بعدی عنک یا سیدی یا أحمد الحسن سلام الله علیک، کم أحترق قهراً وأتمزق ألماً علی أنني فی السعودية ولست بالعراق لأشاهدک وأقبل یدک الشریفة.

بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

سرورم، ای احمد الحسن! سلام خدا بر تو باد! از اینکه از شما دورم، در غم و اندوهی عمیق فرو رفته‌ام. از این که من در عربستان هستم و در عراق نیستم تا شما را نظاره کنم و بر دست شریف بوسه زخم چقدر زجر می‌کشم و متالم هستم.

سیدی، أرجو أن لا تنساني في دعائك إنني محتاج لدعائك، أنت نعمة الله علينا لا أعرف كيف أعبّر اختلطت الحروف بالمعاني فما عدت أميز التعبير من الشكوى، تعابيري شكواي وشكواي تعابيري.

سرورم! تقاضا می‌کنم در دعایت مرا فراموش نکنی چرا که من به دعای شما نیازمندم. شما نعمت خدا بر ما هستی. نمی‌دانم چگونه شروع کنم. واژه‌ها با معانی در هم آمیخته و من قادر نیستم سخن را از شکوه بازشناسم. گفتارم، شکوه‌هایم است و شکوه‌هایم، سخن‌گویی‌ام.

یا سیدی أحمد الحسن، أريد أن أكون من خواصك أرجو يا سیدی، والله ليس لشرف دنيا فانية وليس خوفاً من النار، فإن كنت أنا من أهل النار فذاك عدل الله، وسأقول في النار إنني أحب الله وفي الجنة إنني أحب الله، كلاهما في النهاية أحب الله وعدله، ولا يهمني الموت طالما أنه سبيلك يا سیدی فهو سيكون موت في سبيل الله.

آقای من، احمد الحسن! می‌خواهم جزو خواص تو باشم. خواهش می‌کنم، سرورم! به خدا سوگند نه به خاطر ارزش دنیای فانی است و نه به خاطر ترس از آتش. اگر من از اهل آتش باشم، این از عدل خدا است و در آتش خواهم گفتم خدا را دوست دارم و در بهشت، من خدا را دوست دارم. هر دو را در نهایت دوست دارم، هم خدا را و هم عدل او را. سرورم! مرگ برایم اهمیتی ندارد، مادامی که در راه تو باشد، که در این صورت، مرگ در راه خدا خواهد بود.

فمنذ متی کانت حیاتی ذات قیمة بدونکم یا آل محمد، أحبک یا سیدی أكثر من ابي وأمي ونفسي، لم تعد الدنيا یا سیدی تساوي جناح بعوضة في عيني. تساوت الأفراح مع الأحزان فما عدت أشعر بشيء إلا بكم یا آل محمد، علیم الله أنني اکتب لك هذه الحروف والدمع في عيني سائل.

ای آل محمد! از چه هنگام زندگی من بدون شما ارزش و بهایی داشته است؟ سرورم! شما را بیش از پدرم و مادرم و بیش از خودم دوست دارم. سرورم! دنیا در نظرم به اندازه‌ی بال پشه‌ای ارزش ندارد. شادی‌ها و اندوه‌ها یکسان‌اند و من چیزی احساس نمی‌کنم مگر با شما ای آل محمد! خدا می‌داند من در حالی این جملات را برای شما می‌نویسم که سرشک از دیده‌ام جاری است.

یا سیدی إن تخصني بدعائك دائماً أنت وأبيک سیدی محمد بن الحسن المهدي (صلوات الله عليه) أريد. أن أكون من خواصکم، ومن المدافعين عنکم بالسيف لا بالقلم، بالعلن لا بالخفاء، أريد الموت في سبيلکم یا آل محمد، فمتی الفرج الغوث الغوث الغوث سیدی لقد طالت الغيبة وأني لأتجرع المر کل يوم ينطوي وأنا بعيد عنک، ابن المهدي بيننا ونحرم حتی من مشاهدته یا مصيبة لا تتحملها قلوبنا، عزائي الوحيد أنني أشعر بک وأشعر بفيضک وبفيض أبيک (صلوات الله عليه) بفضل الله سبحانه وحده لا شريك له لقد دمرت المادة فيني الإنسان قبل أن أتعرف على دعوتك اليمانية، فلم يتبق لي إلا حبکم یا آل محمد، يعز عليّ ويصعب عليّ ويثقل عليّ بعدي عنک یا سیدی.

سرورم! همواره شما و پدرت، سرورم محمد بن الحسن المهدی (ع) مرا دعا کنید تا جزو خواص شما و در زمره‌ی کسانی باشم که از شما با شمشیر و نه با قلم، آشکارا و نه در خفا دفاع می‌کند. یا آل محمد! مرگِ در راه شما را خواستارم. فرج چه زمانی است، سرورم؟ فریاد فریاد فریاد، غیبت به درازا کشید و من هر روز شرنگ تلخی که احاطه‌ام کرده است را جرعه جرعه می‌نوشم، در حالی که از تو دورم! پسر مهدی میان ما باشد و ما حتی از دیدن او محروم! وای از این مصیبت! دل‌های ما تحمل آن را تاب ندارد. تنها مایه‌ی تسلی‌ام این است که به فضل خداوند سبحان یگانه‌ای که هیچ شریکی ندارد، من شما را و فضل و عنایت شما و پدرت (را احساس می‌کنم. جز محبت شما ای آل محمد، برایم باقی نمانده است. ای سرور و مولایم، بعد از تو برایم چقدر گران و سخت و سنگین است!

علیم الله عندما أتتني الدعوة اليمانية بمشيئة الله وتدبيره شعرت أنني كأي أعرف هذه الدعوة مسبقاً في عالم الذر، بل وأعرفك أنت يا أحمد الحسن، ولقد أرسلت رسالة مسبقاً بخصوص الإمام علي الرضا ولكن الرسالة ضاعت عند الأنصار في زمن اعتقال فراعنة الطاغوت المتجسد في الحكومة العراقية بفتوى من بلعم بن باعوراء عصرهم، فضاعت الرسالة بعدما توقف الموقع فترة عن العمل وهذا هو مضمون تلك الرسالة التي ضاعت مسبقاً وهي كالآتي:

خدا آگاه است که وقتی با مشیّت و تدبیر الهی، دعوت یمانی به سراغم آمد، احساس کردم گویی این دعوت را از پیش در عالم ذر می‌شناسم، و حتی شما را ای احمد الحسن می‌شناسم. پیش‌تر نامه‌ی ویژه‌ای برای امام علی الرضا (ع) فرستادم ولی این نامه در زمان دستگیری‌های انصار توسط فراعنه‌ی طاغوت که در دولت عراق متجسم شده بود و دبه فتوای بلعم بن باعورای زمان انجام گرفت نزد انصار گم شد. این نامه پس از آن که سایت چند وقتی از فعالیت بازایستاد گم شد. متن ذیل مضمون همان نامه‌ای است که پیشتر مفقود گردید:

منذ سنوات طويلة أشعر كأن لي موعد مع الإمام علي الرضا، وكأني جلست معه وشاهدته وهو أسمر ويرتدي البياض في أجواء ضبابية ملئت خراباً من الحروب والأمطار والعواصف، وهذا تذكر في عالم الذر لا أعرف تفسيره طوال تلك السنوات، بل أحياناً أتعجب من هكذا تذكر يراودني، وكنت أخفي هذا الأمر ظناً مني أنها أو هام، إذ الإمام علي الرضا أستشهد وأنا في عصر غيبة الإمام المهدي، فكيف اللقاء؟ فعندما قرأت أحد كتب الأنصار وهو يربط أحوال الشيعة في زمن الإمام علي الرضا وتشابهاه مع الشيعة وأحوالهم في زمنك يا سيدي، تيقنت أنك أنت هو الذي سألتني به في يوم من الأيام، والإمام علي الرضا في التذکر لربما هو رمز يعني بك أنت أو الإمام علي الرضا، سألتني به في عصر الرجعة الله العالم.

سالها است که احساس می کنم مرا با امام علی الرضا (ع) عهد و پیمانی است. گویی من با آن حضرت نشستهام و او را مشاهده می کنم. آن حضرت گندم گون بود و در فضایی مه آلود که پر از خرابی های ناشی از جنگ ها و باران ها و طوفان ها بود، لباس سفیدی به تن داشت. این یک یادآوری از عالم ذر بود و من طی آن سال ها تفسیرش را نمی دانستم، و حتی گاهی اوقات از این که چنین مطلبی به یادم می آمد در شگفت می شدم. گمان می کردم این قضیه، وهم و خیال است برای همین پنهانش می کردم، چرا که امام علی الرضا شهید شده است و من در عصر غیبت امام مهدی (ع) هستم؛ پس این دیدار چطور صورت گرفته است؟ ولی هنگامی که یکی از کتاب های انصار را خواندم که در آن اوضاع شیعیان در زمان امام علی الرضا (ع) را به اوضاع شیعیان در زمان شما - ای سرورم! - مرتبط می کرد و آنها را به هم تشبیه نمود یقین کردم که شما همان کسی هستی که روزی از روزها با او ملاقات خواهیم کرد و در این یادآوری، امام علی الرضا (ع) شاید یک نماد باشد، یعنی در دوران رجعت با شما یا با امام علی الرضا دیدار خواهیم داشت، خداوند دانایتر است!

هذه رسالة لسيدي أحمد الحسن (صلوات الله عليه) أتمنى أن تصل إلى سيدي وأن يستجيب رجائي في أن يخصني بدعائه دائماً، وأن يفسر لي هذا التذکر في عالم الذر المتعلق بالإمام علي الرضا، وأشكر سيدي علي توضيحه بخصوص اسم

الباطن؛ لأنني سمعتها من أحد المتصوفة، ولقد تبين لي بطلان كلام المتصوفة بفضل علم اليماني (ع)، وكذلك أريد بعلم الحروف أن تظهر لي يا سيدي جواب هذا السؤال:

این نامه‌ای است برای سرورم احمد الحسن که درود خداوند بر او باد. امیدوارم به دست سرورم برسد و ایشان با دعا کردن همیشگی برایم، آرزویم را برآورده سازد، و این یادآوری در عالم ذر را که مربوط به امام علی الرضا (ع) است برایم تفسیر نماید. از سرورم بابت توضیحش به خصوص در مورد اسم باطن، تشکر می‌کنم؛ زیرا من آن را از یکی از صوفیان شنیده بودم ولی به فضل علم یمانی (ع) بطلان عقاید اهل تصوف برایم آشکار گشت. همچنین ای آقای من! می‌خواهم با علم حروف پاسخ این سؤال را برایم آشکار سازی:

من هو عزام العبيدي، أريد أن أعرف حالي هل أنا على خير أم على غضب من الله، وهل سأكون من الأنصار الـ ٣١٣ أو العشرة آلاف أو الأبدال أو النجباء؟ فهذا حلمي وطموحي أن أكون ولو شيء يذكر في عصر الظهور، ليس لدنيا فانية ولكن حتى أعرف مستوى القبول عند ربي وآل محمد والإمام المهدي وأنت كذلك يا سيدي.

عزام العبيدي کیست؟ می‌خواهم وضعیتم را بدانم، آیا من بر خیر هستم یا گرفتار خشمی از جانب خداوند؟ و آیا من جزو ۳۱۳ یا ده هزار انصار یا ابدال یا نجبا هستم یا خیر؟ این امید و آرزوی من است که در عصر ظهور باشم؛ حتی اگر لحظه‌ای گذرا باشد. نه به خاطر دنیای فانی بلکه برای این که بدانم در چه سطحی نزد پروردگارم و آل محمد و امام مهدی و نیز تو ای سرورم، مقبولیت دارم.

وكذلك والدي شاهد حلم فيني قبل سنوات، وهو أنه شاهد أن الله يقول له أعطني عزام وأنا أنشئه ولك أنت نسبه في الأرض، ثم قال له والدي خذ أعطيتك عزام، أقسم بالله هذا ما أخبرني به والدي فما هو تفسير هذا الحلم؟

پدرم نیز چند سال پیش خوابی درباره‌ی من دید و او شاهد بود که خداوند به او می‌گوید عزام را به من بده و من آن را به وجود می‌آورم و نَسب او در زمین برای تو خواهد بود. سپس پدرم به او گفت بگیرش، عزام را به تو دادم. به خدا سوگند می‌خورم که این مطلب را پدرم به من خبر داد. تفسیر این رؤیا چیست؟

وكذلك مره من المرات وجدت امرأتين من الجنسية الأفريقية يتسولان في الشارع فقمت تصدقت عليهما ثم وجدت النقود تختفي من محفظتي بشكل غير طبيعي، مثلاً يكون عندي أربعين ريال أجدها عشرين، فاضطرت أن أضع نقودي داخل المصحف بعدما تيقنت أنه سحر فكيف أفك هذا السحر الذي أخذ مني أموال، وكل ذنبي أنني تصدقت على ساحرتين دون أن أعلم، وآسف يا إدارة الموقع على إزعاجكم ولكن هذه آخر رسالة لسيدي اليماني حتى لا أزعجكم وأتعبكم، مع أنني أود أن أتواصل مع سيدي صلوات الله عليه بالرسائل من فترة لفترة فهذا ما بيدي طالما المسافات بعيدة بيني وبينه.

المرسل: العبيدي - السعودية

یک بار هم دو زن آفریقایی را دیدم که در خیابان گدایی می‌کردند. من به آنها صدقه دادم ولی ملاحظه کردم که پول‌هایم به طور غیرعادی از کیفم غیب می‌شود. مثلاً من چهل ریال داشتم، دیدم شده بیست ریال. وقتی مطمئن شدم که این جادوگری است، مجبور شدم پول‌ها را داخل قرآن بگذارم. چگونه این سحری که پول‌هایم را گرفته باطل کنم و از بین ببرم؟ تمام گناه من این بود که به دو زنی که نمی‌دانستم جادوگرند، صدقه داده‌ام. مدیران سایت! از این که شما را خسته کردم متاسفم ولی این آخرین نامه به سرورم یمانی است تا دیگر باعث آزرده‌گی و خستگی شما نشوم. هر چند دوست دارم که با سرورم از طریق ارسال نامه، گاهی ارتباط داشته باشم. این تنها چیزی است که دارم، مادامی که بین من و او فاصله‌ها بسیار است.

فرستنده: العبيدي - عربستان سعودی

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة
والمهديين وسلم تسليماً.

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

الحمد لله الذي منّ عليّ بكم، وجعلني أتشرف بخدمتكم هو وليي وهو
يتولى الصالحين، أما ما حدثك به قلبك فإن شاء الله سيجعله ربي حقاً في
هذه الحياة الدنيا، وأسأل الله أن يحفظك ويسدّدك ويجعلك من الشهداء
على خلقه، ولا تنساني من دعائك كما أني لا أنساك إن شاء الله، وأرجو
أن يوفقك الله لقراءة آية الكرسي سبع مرات كل ليلة قبل أن تنام ولمدة
أربعين يوماً.

أحمد الحسن

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و
سلم تسليماً.

السلام عليكم ورحمة الله و بركاته.

سپاس خدایى را که با شما بر من منّت نهاد، و مرا به خدمت گزارى شما مشرف
گردانید. او یاور من است و او دوست شایستگان. آن چه دلت به تو گفته است، ان شاء
الله پروردگارم آن را در این زندگى دنیوى تحقق مى بخشد. از خداوند مسئلت دارم که
شما را حفظ فرماید و توفیق عطا کند و شما را جزو گواهان بر خلقش قرار دهد. مرا در
دعايت فراموش نکن همان طور که من شما را فراموش نمى کنم، ان شاء الله. امیدوارم
که خداوند شما را بر قرائت آیه الكرسي هفت بار هر شب قبل از خواب و به مدت چهل
روز توفیق دهد.

احمد الحسن

